



# نشریه علمی فرهنگی گام نو پردیس آیت ا. خاмене ای کرگان

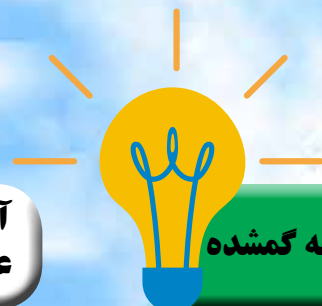
اسفند ۹۸ / شماره اول



مصاحبه با دانش آموختگان  
پردیس آیت ا. خاмене ای کرگان



آموزش و پرورش در  
عرصه جهانی شدن



حلقه گمشده

تحول یک کلمه است  
لکن در پشت این وجود  
لفظی، در پشت این کلمه  
یک دنیا کار نهفته است  
بهترین و برجسته‌ترین فکرها  
باید بشینند برای آموزش و  
پرورش طراحی کنند باید  
فلسفه آموزش و پرورش  
اسلامی واضح باشد.  
آموزش و پرورش باید از  
روزمرگی بیرون بیاید، این  
اساس حرف است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای





## گاهنامه علمی فرهنگی گام نو

سال اول / شماره اول / اسفند ۹۸

صاحب امتیاز:

بسیج دانشجویی پردیس آیت الله خامنه ای

شماره مجوز:

۵۲۵۰۰/۱۵۱۷/۱۰۰

مدیر مسئول:

علی قاسمی

سردبیر:

مصطفی کول میرپور

طراحی و صفحه آرایی:

نظام الدین پالیز

سجاد خادم

هیئت تحریریه:

حسین صفری، علی قاسمی

مصطفی کول میرپور

مرتضی کول میرپور

محمدخان احمدی، عبدالرئوف کم

رضا گرجی دنگلانی

## فهرست مطالب

- ۱ سخن مدیر مسئول و سردبیر.....
- ۲ آموزش و پرورش در عرصه جهانی شدن.....
- ۴ ضرورت پیش دبستانی.....
- ۶ حلقه گمشده.....
- ۸ تهاجم فرهنگی.....
- فرهنگ و ارزش های اسلامی فراموش شده در
- ۱۱ امروز.....
- ۱۳ مصاحبه.....
- ۱۷ معرفی کتاب.....
- ۱۸ شعرطنز دانشجویی.....



خواهشمند است پس از

مطالعه، سوالات، انتقادات و پیشنهادات

خود را جهت ارتقای هر چه بهتر کیفیت

محتوایی و ظاهری نشریه از طریق راه های

ارتباطی زیر برایمان ارسال فرمایید.

نظرات و دیدگاه های شما تعیین کننده

نقشه راه ما برای نگارش چاپ های

بعدی است.

با تشکر

آیدی تلگرامی

@Alighasemi۱۰

@Mostsfa\_mirpour

شماره تماس: ۰۹۱۱۷۳۲ ۲۵۰۱

خدا یا شروع سخن نام توست \*\*\*\*\* وجودم به هر لحظه آرام توست

خوشبختانه امروزه شاهد رشد روز افزون علم در عرصه های گوناگون ملی و بین‌المللی هستیم و پر واضح است کمی کم‌کاری و غفلت می‌تواند ما را از قافله جهانی علم و دانش دور سازد، و این امر نشان دهنده اهمیت علم و دانش در رشد و پیشرفت جمهوری اسلامی ایران است. اما اگر از بعد دیگری به موضوع علم و دانش بنگریم شاید این سوال در ذهنمان ایجاد گردد که رشد علمی چند سال اخیر کشور، به چه میزان رشد فرهنگی را نیز به همراه داشته است؟! آنچه مسلم است آموزش و پرورش هر کشور، سنگ بنای رشد آن را از جهات علمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... پایه‌ریزی می‌کند، و کشوری که در دنیا این رسالت مهم آموزش و پرورش را درک کرده و تمام اهداف خود را روی پرورش نیروی انسانی کارآمد متمرکز نموده، نتیجه آن را نیز به خوبی دیده است.

در نشریه گام نو سعی شده است به آنچه که موجب رشد و پیشرفت کشور از طریق دوپال مهم آن یعنی علم و فرهنگ می‌شود، پرداخته شود. امیدواریم توانسته باشیم گام نو و مفیدی را در جهت تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب و همچنین گسترش فرهنگ ایرانی، اسلامی برداشته باشیم.

پیشاپیش از حسن توجه شما بزرگواران سپاس گزاریم.

## سخن مدیر مسئول

علی قاسمی



آغاز سخن یاد خدا باید کرد خود را به امید او رها باید کرد

خداوند را بسیار شاکرم که توفیقی بر من عطا نمود تا اولین شماره نشریه علمی فرهنگی گام نو را با کمک اعضای پویا و خلاق نشریه منتشر کنم.

در این نشریه ما بر آن شدیم تا موضوعات مهمی از قبیل مسائل آموزش و پرورش ایران و جهان، وضعیت علمی فرهنگی کشور، راه‌های ارتقای فرهنگ ایرانی اسلامی و نظریه‌های نوین علمی در آموزش و پرورش را مورد بررسی و کنکاش قرار دهیم.

امیدوارم که محتوای این نشریه برای دانشجومعلم‌ان به عنوان پرچمدار نظام تعلیم و تربیت، سودمند باشد و اساتید، صاحب نظران و دانشجویان با مطالعه این نشریه و ارائه رهنمودها و پیشنهادهای سازنده خود، ما را در هر چه بهتر شدن این نشریه یاری دهند.

همچنین از اعضای هیئت تحریریه و طراحان خوش ذوق که در راه چاپ، نگارش و نشر ما را یاری نمودند، تشکر می‌کنم و امیدواریم بتوانیم با مطالعه به سوی گامی نو، قدم برداریم.

ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند

## سخن سردبیر

مصطفی کول میرپور







# آموزش و پرورش در عرصه جهانی شدن

تلقی می‌کند. در کره به آموزش همراه با مشاهده و تجربه اهمیت داده می‌شود. جالب است بدانید که از همان مقطع ابتدایی به دانش‌آموزان زبان انگلیسی یاد داده می‌شود و کلاس‌های درس از ساعت ۹ صبح آغاز و تا ۴ یا ۵ بعد از ظهر ادامه پیدا می‌کند که البته ناهار را در مدرسه با همدیگر می‌خورند. کره جنوبی به آموزش و پرورش سخت‌گیر و البته جذاب معروف است. متوسط تعداد دانش‌آموزان در یک کلاس ابتدایی ۳۲ تا ۳۵ نفر است. بودجه آموزش و پرورش این کشور ۱۱,۳ میلیارد دلار و نرخ سواد برابر با ۹۷,۹ درصد می‌باشد.

۲. ژاپن: رقابت میان کره و ژاپن بسیار تنگاتنگ بوده اما در ژاپن به دانش‌آموزان وقت استراحت بیشتری داده می‌شود. آموزش با تجربه، فناوری، کارگروهی و مسئولیت اجتماعی ادغام شده است که باعث ایجاد تفکری خلاق میان آن‌ها می‌شود. هفته‌های آموزشی ۵ روزه و تعطیلات آخر هفته آن باعث ایجاد چالش در خانواده‌ها برای چگونگی پرکردن اوقات فراغت دانش‌آموزانشان شده است به همین دلیل این روزها بحث زیادی بر سر بیشتر کردن ساعات درسی مدارس و کوتاه کردن تعطیلات آخر هفته است و آن‌ها این تعطیلات زیاد را مقصر بسیاری از ضعف‌های عملکردی در ژاپن می‌دانند. آموزش در ژاپن برای همه در یک سطح و بهره‌هوشی عامل برتری بر دیگری نیست.

۳. سنگاپور: تمرکز ویژه بر آموزش پایه و هوشمند سازی سیستم آموزشی دلیلی است که این کشور را در رتبه سوم جهان قرار داده است و توانسته است نمرات بالایی را در آزمون‌های بین‌المللی تیمز و پرلز کسب کند. دانش‌آموزان در مدارس سنگاپور یاد می‌گیرند روابط عمومی بالا برای برقراری ارتباط با دیگران و دوست‌یابی را تقویت کنند و یکی از اهداف دوره دبیرستان این کشور ایجاد احساس مسئولیت‌پذیری و حس انسان دوستانه در بین دانش‌آموزانشان است و یک کتاب درسی تحت عنوان خانه داری، برای دستیابی به این هدف و پذیرش مسئولیت برای زندگی مستقل را نیز در بین محتواهای آموزشی خود تعریف کردند.

۴. هنگ کنگ: نظام آموزشی در هنگ کنگ مانند آموزش در بریتانیا اداره می‌شود، پیشرفت در یادگیری و رسیدن به مدارج عالی بالا کسب شغل مناسب را تضمین می‌کند. بنابر تجاری بودن این منطقه سه زبان انگلیسی، چینی و ژاپنی تدریس می‌گردد. نرخ سواد در این کشور ۹۳,۶ درصد است. به جای روش‌های

نظام آموزش و پرورش ایران همانند سایر نظام‌های در کوشش برای تدارک امکانات، تمهیدات، اهداف و رفع نیازهای جامعه است، و در پی آن است که با بهره‌گیری و اجرایی کردن اسناد تحول‌آفرین خود (سند جامع علمی کشور، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی) وضعیت کشور را تا سال ۱۴۰۴ به بهترین شکل متحول سازد اما اینکه از زمان تصویب این اسناد (سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۰) تاکنون چه مقدار به اهداف خود رسیده است، سوال بزرگی است که ذهنمان را درگیر خود کرده است. مقدمات ایجاد این نظام از زمان تاسیس دارالفنون در سال ۱۲۳۰ (ه.ش) و وزارت علوم در سال ۱۳۴۶ (ه.ش) فراهم شد. و بعد از انقلاب مشروطه به تدریج سازمان و تشکیل یافت و امروزه نیز در صدد آن است که به یک نظام تعلیم و تربیت نوین و در سطح نظام‌های برتر آموزش و پرورش جهان قرار گیرد.

بهترین نظام‌ها و سیستم‌های آموزشی جهان متعلق به کدام کشورهاست؟

گروهی به نام پی‌رسون با همکاری سازمان یونسف به ارزیابی نظام‌های آموزشی در کشورهای مختلف پرداخته و در آن معیارهای مختلفی را در نظر گرفته‌اند:

(الف) سطح دسترسی مردم به دانش پایه

(ب) وضعیت آموزشی در مدارس ابتدایی و متوسطه بالاخص شرایط آموزشی برای زنان و دختران در جامعه

(ج) میزان بودجه تخصیص یافته به آموزش و پرورش هر کشور

(د) آزمون‌های بین‌المللی تیمز (سواد ریاضیات و علوم) و پرلز (سواد خواندن و نوشتن)

اما قبل از آن که نظام‌های برتر آموزشی جهان را معرفی کنیم شاید با خود فکر کنید که بهترین سیستم آموزشی جهان متعلق به کشور آمریکا است ولی برخلاف تصور اغلب مردم و در کمال تعجب، بهترین سیستم‌های آموزشی دنیا متعلق به کشورهای آسیایی به خصوص شرق آسیاست.

کشورهای برتر جهان در نظام آموزش و پرورش:

۱. کره جنوبی: کشوری که با منابع طبیعی اندک و تراکم جمعیتی بالا، آموزش و پرورش را یگانه راه‌هایی خود

تدریس تلقینی و حفظی، بریادگیری تمرکز دارند و سه عامل زمان، انرژی و سرمایه را از جمله موارد هدررفت روش‌های تدریس تلقینی و حفظی می‌دانند.

یا پوشش سایر دروس نیستند. در این کشورها به مدارس بالاخص مدارس ابتدایی بیشتر از دانشگاه‌ها بها داده می‌شود و جامعه نیز به آن‌ها اعتماد می‌کند.

۵. فنلاند: ساعت‌های آموزشی کوتاه و پربازده متعلق به این کشور است، در آن هیچ امتحانی وجود ندارد و صرفاً در پایان دبیرستان یک آزمون جامع برگزار می‌گردد. معلمان در دوره ابتدایی تا سال ششم ثابت‌اند و آموزش با تفریح و تجربه و اکتشاف همراه است. معلمان آزادی زیادی در برنامه‌ریزی آموزشی بطور خودساخته و بر اساس برنامه‌ریزی ملی دارند. دولت این کشور آموزش و پرورش را نه هزینه بلکه سرمایه‌گذاری بلند مدت می‌داند و معلمان از جایگاه اجتماعی و منزلت بالایی برخوردارند و بودجه آموزش و پرورش آن حدود ۱۱٫۱ میلیارد دلار است.

\* با توجه به مطالب گفته شده در واقع چه چیزی عامل اصلی موفقیت آن‌ها بوده است؟ چرا ما نتوانستیم به عنوان نظام مطرح در جهان قد علم کنیم؟ مشکل کار واقعاً کجاست و چه زمانی آموزش و پرورش ایران به جایگاه واقعی خود و حیات طویه خواهد رسید؟

پاسخ به این سوالات مهم را می‌توان در چند نکته ذکر کرد:

۱. کشورهای برتر دنیا از نظر آموزشی، مدرسه خاص، استعدادهای درخشان، سخت‌کوش‌ها، باهوش‌ها... را ندارند و همه دانش‌آموزان در یک سطح، آموزش می‌بینند.

۲. نحوه‌گزینش معلمان به قدری دشوار و رقابتی است که فقط افراد با ضریب هوشی بالا و دارای مهارت‌های تخصصی می‌توانند وارد شغل معلمی شوند. به عنوان مثال در کانادا دوره تربیت معلم به شکل استانی بوده و استان‌ها مستقل در امر تصمیم‌گیری‌اند.

متقاضیان معلمی باید از سه مسیر سخت عبور کنند: الف) اخذ مدرک کارشناسی و گذراندن ۸ ماه تا ۲ سال دوره تربیت معلم ب) تدریس در زمان تحصیل ج) گذراندن ۲ سال دوره مطالعات تخصصی که دوره کارشناسی ارشد تلقی می‌شود.

۳. مشق و تکلیف دانش‌آموزان به طور قابل توجهی کم اما کاملاً هدفمند است، مثلاً تکلیف به صورت بازی‌های عملی و گروهی به دانش‌آموزان داده می‌شود.

۴. حجم کتب درسی کم، اما عمق و ساعت تدریشان زیاد است. در این صورت معلمان نگران عقب افتادن یک درس

به عنوان صحبت پایانی در این بخش می‌توان گفت: هیچ کدام از این کشورهایی که امروزه به عنوان نظام مطرح در جهان از آن‌ها یاد می‌شود فارغ از مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و... نبودند بعضی از آن‌ها چندین سال زیر سلطه کشورهای استعمارگر قرار داشتند اما توانسته‌اند نیمه گمشده پیشرفت خود را پیدا کنند و آن چیزی جز یک آموزش و پرورش قوی نبوده و نخواهد بود. در واقع ما از کشورهای برتر دنیا عقب مانده‌ایم چون از آموزش و پرورش خود غافلیم. آن‌ها از صفر شروع کرده‌اند اما راه اصلی که برای توسعه خود از نظر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... انتخاب کرده‌اند بی‌شک بهترین راه بوده است. آموزش و پرورش ایران هم چند سالی هست که با تمام فراز و فرودهای خود در این راستا قدم گذاشته و سعی دارد با بهره‌گیری از توان داخلی و بررسی عوامل رشد کشورهای برتر از لحاظ آموزشی خود را به قله‌های جهانی نزدیک کند. اما متأسفانه هنوز وزارت آموزش و پرورش ایران به عنوان اولویت اول در کشور مطرح نیست و این، عامل اصلی عدم پیشرفت ما در برابر سایر کشورهای توسعه یافته و پیشرفته است.

در کل موفقیت یک کشور و قرار گرفتن در قله‌های جهانی یک شبه و یا حتی در چند سال نبوده و دهه‌ها زمان برد تا به اینجا رسیده است. صبر می‌خواهد و تلاش مداوم همراه با امید، توکل و در راستای ایمان به قدرت خداوند بزرگ.

امیدواریم در سال‌های نه چندان دور شاهد به واقعیت پیوستن این امر مهم، برای جمهوری اسلامی ایران باشیم.







همانطور که دیدیم مربی با شعری ساده محتوای مهمی را به فراگیران آموزش می‌دهد.

نکته قابل تامل در پیش دبستان این است که آموزش حروف الفبا مطلقاً ممنوع است و مربیان برای رسیدن به اهداف ذکر شده از شعر، بازی و هنر استفاده می‌کنند.

این دوره برای کودکانی که از بدو تولد در محیطی خنثی و بدون فعالیت‌هایی که موجب رشد مغزی و عصبی آنان می‌شود، زندگی کرده‌اند بسیار مهم و حیاتی است و فعالیت‌های هدفمند و بازی‌های گوناگون باعث شکل‌گیری طرح‌واره‌های ذهنی بیشتری در نوآموزانی می‌شود که در این دوره شرکت می‌کنند و در آینده یادگیری را نسبت به کودکانی که دو نیمکره مغزشان به اندازه کافی تحریک نشده است، آسان‌تر می‌کند.

در واقع این فعالیت‌ها و بازی‌های مختلف ذهنی و حرکتی، می‌تواند آن قسمت از مغز کودک که تا قبل از پیش دبستان به خوبی تکامل نیافته است را رشد دهد؛ همچنین فعالیت‌ها و بازی‌های این دوره می‌تواند باعث پیشگیری از ناتوانی‌های یادگیری در خواندن، نوشتن و ریاضی گردد و کار یاددهی و یادگیری را برای معلم و دانش‌آموز در مقاطع بالاتر تسهیل نماید.



پیش دبستان یک دوره غیررسمی و غیراجباری در نظام آموزشی ما می‌باشد که خود نیز به دو بخش آمادگی ۱ و ۲ تقسیم‌بندی می‌شود؛ حال با توجه به غیراجباری بودن این دوره شاهد آن هستیم که همه ساله بخشنامه‌هایی مبنی بر ضرورت جذب هرچه بیشتر نوآموزان پیش دبستانی از ادارات کل به بخش‌های زیر دستی ابلاغ می‌شود.

اکنون سوالی که پیش می‌آید این است که این ضرورت برای چیست؟ و اگر آنقدر ضروری است که به آن تاکید می‌شود، چرا غیررسمی است؟

ما در این چند خط نوشته سعی داریم تا به این دو پرسش پاسخ دهیم.

برای پاسخ به پرسش نخست ابتدا چند مورد از اهداف مهم پیش دبستان را مرور می‌کنیم:

۱. شناخت حواس و پرورش مهارت
۲. توسعه مهارت‌های جسمانی و حرکتی
۳. شناخت فرهنگ و نشانه‌های آن
۴. پرورش ذوق هنری

نکته مهم در ضرورت پیش دبستان آموزش‌هایی است که مربیان با توجه به مقتضیات سن فراگیران به آن‌ها در قالب شعر، بازی و هنر (نقاشی، قصه، کار دستی) می‌دهند. به عنوان مثال با یک شعر ساده به معرفی حضرت محمد(ص) می‌پردازند:

پیامبرم	محمد	در آسمان ها احمد
عبدالله پدر اوست		آمنه مادر اوست
دایه او	حلیمه	با اخلاق و کریمه
خدیدجه همسر اوست		فاطمه دختر اوست
صلی علی محمد(ص)		صلوات بر محمد(ص)

نخستین روز کلاس اولتان را به خاطر بیاورید؛ زمانیکه دست در دست والدین خویش به مدرسه رهسپار شده بودید و پس از انجام مراسمات زمان جدایی فرا رسیده بود و بسیاری از ما در آن هنگام بی‌قرار و گریان بودیم، حال اگر به پیش‌دبستان می‌رفتیم و با شرایط و محیط و قوانین مدرسه آشنا می‌بودیم، باز هم گریه می‌کردیم؟

بنابراین ضرورت پیش‌دبستان در آشنایی هنرآموزان با محیط و شرایط و قوانین مدرسه و آمادگی برای ورود به کلاس اول می‌باشد و هنرآموز در این دوره نحوه درست در دست گرفتن قلم را آموزش می‌بیند تا در کلاس اول برای آموزش الفبا و سرمشق نوشتن آماده شود.

اهمیت و ضرورت آمادگی یا پیش‌دبستان بسیار است که در این متن به همین اندازه بسنده می‌کنیم.

اما برای پاسخ به پرسش دوم ابتدا با هم ساختار و نحوه اداره پیش‌دبستان را مرور می‌کنیم.

مراکز آموزش پیش‌دبستان در مدارس دولتی زیر نظر کارشناس مشارکت ادارات شهرستان است و این مراکز غیردولتی به حساب می‌آیند.

این کارشناسی مربیان را به زیر گروه‌های مختلف تقسیم‌بندی می‌کند و هر زیرگروه یک مدیر یا موسس با کد کاربری مجزا دارد که این مدیران گروه کلاس‌های مدارس دولتی را اجاره می‌کنند.

نکته بعدی در مبحث پیش‌دبستان غیراجباری بودن این دوره است که با پرداخت شهریه همراه می‌باشد.

در مدارس دولتی، مربیان وجه شهریه مصوب را از اولیا دریافت و به موسس خود می‌دهند و موسسین نیز حق الزحمه آن‌ها را پرداخت می‌نمایند.

حال شاید بتوان گفت یکی از دلایل بخشنامه‌های ارسالی همین بخش مالی و شهریه این دوره می‌باشد.

پاسخ دومی که می‌توانیم به پرسش دوم بدهیم این است که آموزش و پرورش ما با کمبود معلم در پایه‌های رسمی مواجه است و تا سال‌های گذشته کلاس‌های خود را با معلمان شیفتی پر می‌کرد، بنابراین اضافه شدن پیش‌دبستان به دوره رسمی کمی سخت است؛ از طرف دیگر تراکم دوره ابتدایی بسیار زیاد می‌باشد که در این دوره شش پایه به صورت دوره اول و دوم داریم حال با افزوده شدن پیش‌دبستان به دوره رسمی نظام آموزشی مستلزم تغییر و بازنگری است در حالیکه این نظام به تازگی به کیفی - توصیفی تغییر یافته و کنکوری‌های ۹۸ اولین نسل از این نظام می‌باشند.

فضای فیزیکی نیز می‌تواند از عواملی باشد که مانع از رسمی شدن این دوره شود، به طوری که ازدیاد جمعیت سبب شده بعضی از مدارس به دلیل کمبود فضا تعدادی از کلاس‌های خود را در بعد از ظهر تشکیل دهند.

به طور خلاصه می‌توان گفت دوره پیش‌دبستان از آن جهت با اهمیت است که کودکان ما با بازی، شعر و هنر، آداب و مهارت‌های زندگی، فرهنگ ایرانی و اسلامی، ریاضی، علوم، فارسی و ... را فرا می‌گیرند؛ با قوانین مدرسه آشنا می‌شوند و در نهایت خود را برای ورود به کلاس اول آماده خواهند کرد.

در بحث غیررسمی بودن این دوره نیز باید گفت که شهریه دریافتی، بار مالی و سود دهی یکی از دلایل اصلی غیررسمی ماندن این دوره است.

از دلایل دیگر می‌توان به کمبود معلمان پایه، تراکم دوره ابتدایی، تغییر و بازنگری نظام آموزشی به تازگی، کمبود فضا و امکانات نام برد.

امید است با توجه به اهمیت این دوره، مسئولین و کارشناسان با مطرح کردن رسمی شدن این دوره موافقت نمایند و بسترهای آن را فراهم نمایند.

همچنین خانواده‌ها نیز با وجود داشتن بار مالی این دوره، فرزندان خود را برای فرستادن به پیش‌دبستان حاضر نمایند تا کودکانشان متضرر نشوند.





## یادگیری، کلمه‌ای تکراری که در اکثر کلاسها تعریف آن را شنیده‌ایم.

یادگیری، کلمه‌ای تکراری که در اکثر کلاسها تعریف آن را شنیده‌ایم. همه ما تعریف آن را می‌دانیم اما از آن گذر کرده‌ایم؛ این گذر منحصر به ما نیست، نظام آموزشی ما نیز بی توجه از کنار آن گذر کرده است. تاکنون مباحث و موضوعات فراوانی در کلاسها تدریس شده است و اکثر ما در امتحاناتمان سر بلند بیرون آمده‌ایم اما چه مقدار از آن‌ها را به یاد داریم؟ آیا مباحث ریاضی و رویدادهای تاریخی و شعرهایی که در طول دوران تحصیل حفظ کرده‌اید را به یاد دارید؟ به احتمال زیاد جواب اکثر شما منفی است. ما که در دوران تحصیل تکرار و تمرین فراوانی کرده بودیم و امتحانات را به خوبی گذرانده بودیم پس چرا آموخته‌های خود را فراموش کردیم کجای کار مشکل دارد؟! بیایید یادگیری را تعریف کنیم؛ یادگیری تغییری است نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه فرد که بر اساس تکرار و تمرین و تجربه حاصل می‌شود. طبق تعریف، یادگیری رخدادی نسبتاً پایدار است. با این تعریف آنچه تدریس شده و به فراموشی سپرده شده است را یاد نگرفته‌ایم زیرا تغییرات حاصل، ناپایدار بوده است. به نظر من حلقه گمشده ما تجربه است. دلیل عدم ایجاد یادگیری عدم تجربه یا نخواستن تجربه است؛ در نظام آموزشی ما فعالیت‌ها و تجربه‌های یادگیری برای همه دانش‌آموزان یکسان است و این در حالی است که تجربه مفهومی شخصی است یعنی شما نمی‌توانید رخدادی را به جای من تجربه کنید؛ اما در برنامه درسی ما تجربه‌های یادگیری تحمیلی است؛ تاکنون مجبور کردن آدمی برای یادگیری هرگز موفقیت‌آمیز نبوده است. دلیل دیگری که باعث شده است تجربه در افراد کسب نشود؛ انبوهی از اطلاعات و داده‌های محتوای آموزشی است که هیچگونه کاربردی در زندگی ما ندارند. ذهن ما پر است از نام‌ها، تاریخ‌ها و فرمول‌هایی که هیچ کدام را به یاد نمی‌آوریم زیرا نتوانسته‌ایم هیچ کدام را در زندگی خود به کار ببندیم و این در حالی است که افراد در جامعه بر اساس دانشی که می‌تواند به کار ببندند جایگاهشان را تعیین می‌کنند همان‌طور که دیدیم دو دلیل عمده در عدم ایجاد یادگیری در افراد: تحمیل تجربه‌های ناخواسته و ناکارآمدی محتوای آموزشی است. راهکاری که برای این مسئله می‌خواهم ارائه دهم استفاده از نظریه انتخاب در نظام آموزشی است. نظریه انتخاب انسان را موجودی انتخاب‌گر می‌داند و معتقد است که این خود آدمی است که احساسات و افکار خود را انتخاب می‌کند یعنی این ما هستیم که انتخاب می‌کنیم احساس بدبختی کنیم یا احساس خوشبختی. همان‌طور که گفتیم تجربه یک مفهوم شخصی است. در نظریه انتخاب ما حق انتخاب تجارب یادگیری را به یاد گیرنده می‌دهیم به عنوان مثال دانش‌آموزی شعرهای نو را دوست دارد و علاقه چندانی به اشعار حماسی فردوسی ندارد درست است که شعر فردوسی زیبا و مهم است اما ما به دانش‌آموز حق انتخاب می‌دهیم و دانش‌آموز می‌تواند خود انتخاب کند که کدام شعر را حفظ کند حتماً خواهید پرسید با این کار دانش‌آموزان از زیر کار در می‌روند و

اشعار آسان و بی معنی را حفظ می کند ولی این گونه نیست؛ ما در نظریه انتخاب برای یادگیری و تجربه یادگیری کیفیت قائل هستیم و دانش آموز باید تجربه هایش را به آن کیفیت برساند به عنوان مثال کیفیت حفظ شعر آشنایی با زیبایی های شعری، ایجاد ذوق و طبع شعری و آشنایی با فرهنگ را داریم و دانش آموز حق دارد تجربه هایی را انتخاب کند که به این سطح از کیفیت دست یابد و اگر نتواند به این سطح کیفی دست یابد تلاشش را بیشتر کند تا به این سطح از کیفیت برسد و ما در این برنامه مشروطی نخواهیم داشت. و در مورد ناکارآمدی محتوا نیز تقلیل محتوای آموزشی را بکار می بندیم. ما در این راه کار محتوای ناکارآمد را حذف و به جای آن محتوای کار آمد و کاربردی به محتوا اضافه می کنیم. کاربردی ترین و مهمترین محتوا برای دانش آموزان مهارت ها هستند ما می توانیم مهارت هایی که در جامعه کاربرد دارد و در زندگی به کار یادگیرنده می آید به محتوا اضافه کنیم. به عنوان مثال در جامعه امروزی، انسان با مسائل بسیاری روبرو است و از این رو یکی از مهمترین مهارت های لازم برای جامعه مهارت حل مسئله است؛ حل

مسئله فقط مرتبط با حیطه ریاضی نیست بلکه ما می توانیم در حوزه های دیگر مانند جغرافیا و تاریخ این مهارت را آموزش دهیم برای مثال به جای اینکه از دانش آموزها حفظ کردن تاریخ ها و نام ها و رویدادها را بخواهیم آن ها را به چالش بیاندازیم و بخواهیم درون رویدادهای تاریخی به مسئله یابی پردازند و خطاهای افراد را بیابند و راهکارهای صحیح را بدهد. شاید بگویید اداره این گونه کلاس ها سخت است اما برعکس کار سختی نیست. با به فعالیت در آوردن دانش آموزان ما می توانیم به تک تک افراد در انتخاب تجارب یادگیری کمک کنیم و بهتر کلاس را اداره کنیم و وقت بیشتری نیز برای ارزیابی دانش آموزان داشته باشیم تنها لازم است که کمی تجربه کسب کنیم و خلاق باشیم.

مختصری بود از برداشت های من از کتاب نظریه انتخاب نوشته دکتر ویلیام گلاسر، برای اطلاعات بیشتر می توانید به فصل مدرسه ایده آل این کتاب مراجعه کنید

سفارش می کنم حتما مطالعه فرمایید



یادگیری چیست؟

نویسنده  
عبدالرئوف کم





# تهاجم فرهنگ



با توجه به پیشرفت‌های چشمگیری که در زمینه‌های مختلف تکنولوژی و ارتباطات رخ داده، گرایش به سوی فرهنگ جهانی افزایش یافته است. جهان شدیداً کوچک و به هم فشرده شده و مردم کشورهای مختلف، بیش از هر زمان دیگری فرصت آشنایی و شناخت عناصر و ویژگی‌های فرهنگ‌های جوامع دیگر را یافته‌اند، از طرف دیگر این امکان فراهم شده است تا فرهنگ‌ها و آداب و رسوم مختلف، فرصت رهایی از مرزهای محدود ملی را پیدا کنند و در سایر جوامع نیز گسترش یابند، در اینجا اندیشه نفوذ و تهاجم به فرهنگ‌های دیگر و از بین بردن آداب و سنن و ویژگی‌های ملی یک ملت به وجود می‌آید. برای فرهنگ تعریف‌های زیادی گفته شده اما به طور خلاصه و خیلی ساده می‌توان گفت که فرهنگ مایه‌های فکری و ارزشی است که رفتارهای اختیاری و اجتماعی انسان، تحت تأثیر آن‌ها قرار می‌گیرد و شامل شناخت‌ها و باورهای انسان، ارزش‌ها و گرایش‌ها و رفتارها و کردارها می‌باشد. در طول تاریخ اولین حربه‌ای که کشورهای قدرتمند دنیا برای نفوذ به سایر کشورها به کار می‌بردند جنگ و خونریزی بود اما کم‌کم متوجه شدند که راه‌های دیگری هم وجود دارد که بدون خون و خونریزی بر کشورهای ضعیف‌تر مسلط شوند. یکی از این راه‌ها جنگ فرهنگی بود؛ آن‌ها با نفوذ به فرهنگ ملت‌ها باورهای مردم آن کشور را تغییر می‌دادند و بر آن‌ها چیره می‌شدند. این چنین بود که تهاجم فرهنگی روز به روز بیشتر مورد استقبال کشورهای استعمارگر قرار گرفت.

رهبر بیدار دل و آگاه انقلاب تهاجم فرهنگی را این گونه تعریف کرده‌اند: «تهاجم فرهنگی به این معنی است که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خاص خود و اسیر کردن یک ملت به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد و چیزهای تازه‌ای را وارد این کشور و ملت می‌کنند اما به زور و به قصد جایگزین کردن آن‌ها با فرهنگ و باورهای ملی آن ملت، که نام این، تهاجم فرهنگی است.

از جمله ابزارهایی که کشورهای استعمارگر برای تهاجم فرهنگی از آن‌ها بهره می‌برند، می‌توان به رسانه‌های جمعی و کالاهای صادراتی اشاره کرد.

برای تضعیف و بی‌هویت کردن فرهنگ یک کشور می‌توان از حربه‌های زیر استفاده کرد ترویج الگوهای زندگی بیگانه، تضعیف باورهای دینی، ترویج تفکر جدایی دین از سیاست (تضاد علم و دین)، ترویج فرقه‌های ساختگی راه حل‌های زیادی را برای جلوگیری از تهاجم فرهنگی عنوان می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: تقویت بینش دینی و سیاسی افراد جامعه، احیا و توسعه امر به معروف و نهی از منکر، از بین بردن فقر اقتصادی، شناساندن ارزش‌های فرهنگ بومی به افراد جامعه. آشکارترین و فراگیرترین مورد درباره تهاجم فرهنگی ایران در زمان رضاخان اتفاق افتاد. او در سفری که به ترکیه داشت شیفته آتاترک و اندیشه‌های او شد و تمام تلاشش را کرد تا اقداماتی شبیه کارهای او را در ایران پیاده کند.

اما ویژگی‌های تهاجم فرهنگی؟

## ۱- نامرئی و نامحسوس بودن

تفاوت و تمایز اساسی «تهاجم فرهنگی» با «تهاجم نظامی» نامحسوس و نامرئی بودن آن است. سلاح دشمن در این نبرد، امور به ظاهر رسمی و قانونی و کارساز، از قبیل تولید و نمایش فیلم، مصاحبه، سخنرانی، مباحثه، چاپ و انتشار مجله، کتاب، عکس، شعر و قصه و نمایش و... است و همه این‌ها در قالب‌های ظاهر فریبی چون رشد و ترویج هنر و ادب، آزادی بیان و قلم و اظهار عقیده، تضارب افکار و تبادل اندیشه‌ها و... صورت می‌پذیرد. پس واضح است که این ادعاها و پوشش‌های فریبنده و دهن پرکن تا چه میزان دشمن را در این تهاجم در «استتار کامل» قرار می‌دهد.

در پشت‌صحنه عملیات رسانه‌ای و سیاست رسانه‌ای، قدرت‌ها و نظام سلطه به‌مثابه راهبر این حرکت قرار گرفته است که به‌صورت رسمی و سازمان‌یافته اما پنهان، با اختصاص بودجه‌ای سرّی از سوی سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی و ارائه‌دهندگان خدمات جاسوسی و تشکیلات ویژه نظامی هدایت می‌شود. در واقع فرماندهان جنگ رسانه‌ای، کارشناسان عملیات روانی و متخصصان تبلیغاتی هستند؛ اما سربازان این جنگ را به ظاهر، نویسندگان، تولیدکنندگان مطبوعات، کارگردانان و تهیه‌کنندگان تشکیل می‌دهند. سلاح و تجهیزات این سربازان نیز تلویزیون، اینترنت،

و مردم ساده‌ی مورد تهاجم قرار گرفته شده از خود نمی‌پرسند که چرا باید چند ده شبکه‌ی فارسی زبان که در زمینه‌های مختلف فعالیت می‌کنند به صورت رایگان در دسترس جامعه‌ای قرار بگیرد که هزاران کیلومتر با مرزهای آن کشور فاصله دارد، در صورتی که در خود آن کشور، برای تماشای برنامه‌های تلویزیونی باید هزینه کرد.

به هر حال تهاجم فرهنگی به مثابه موریانه‌ای است که از درون و بدون سروصدا با هدف پوساندن جوهره انقلاب و رکن آن یعنی فرهنگ انقلاب فعالیت می‌کند.

رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، طی بیانات با گله‌مندی به این واقعیت تلخ اشاره کرده و فرمودند: تهاجم فرهنگی گاهی هم متأسفانه بوسیله ی «خودی‌ها» انجام می‌گیرد به تعبیر رسای رهبر معظم انقلاب، تهاجم فرهنگی مثل خودکار فرهنگی، یک کار آرام و بی سر و صداست. اگر شما ملت و عناصر فرهنگی بیدار نباشید خدای نخواستہ صدای فرو ریختن ارزش‌های معنوی که ناشی از «تهاجم پنهانی و زیرکانه» دشمن است هنگامی درمی‌آید که دیگر قابل علاج نیست.

### ۲- دراز مدت و دیر پا بودن

کار فرهنگی به همان میزان که نتیجه و محصول خود را دیر بدست می‌دهد، اثری را که از خویش بر جای می‌گذارد نیز دیرپا و باقی است و به آسانی از روح و فکر و متن جامعه زدودنی و زایل شدنی نیست. خلاصه این که «تهاجم فرهنگی» از آن سنخ کارهایی است که به تعبیر رهبر گران قدرمان: ((صدایش فردا درمی‌آید))

### ۳- ریشه ای و عمیق بودن آن

فرهنگ به مثابه سنگ زیربنای یک جامعه و به مانند خونی که در تمام رگ‌های حیات سیاسی، اقتصادی و فردی و اجتماعی پیکر جامعه جریان دارد. دشمن در این تهاجم می‌خواهد این «سنگ زیربن» را به سلیقه خود کج و معوج و سست بنا نهد تا این بنا نیز تا ثریا کج رود.

امام خمینی (ره) آن جا که فرمان اصلاح می‌دهند، نقطه آغازین را اصلاح فرهنگ می‌دانند و می‌فرمایند: «رأس اصلاحات»، «اصلاح فرهنگ» است و نجات جوان‌های ما از این وابستگی به غرب. ما الآن در همه چیز به گمان همه یک نوع وابستگی داریم که بالاتر از همه، وابستگی افکار است این وابستگی سرمنشأ همه وابستگی هاست که ما داریم. اگر ما وابستگی فرهنگی داشته باشیم، دنبالش وابستگی اقتصادی هم هست، وابستگی اجتماعی هم هست، سیاسی هم هست، همه این‌ها ست. آری اگر فرهنگ جامعه ای تغییر یابد از سر تا پای آن جامعه و افراد آن تغییر خواهد یافت و علاوه بر تغییر ظاهری مثل آرایش سر و صورت، لباس و پوشش، تغییر نام، طرز سخن گفتن و به کار بردن لغات و اصطلاحات خاص و غیره، دامنه این تغییرات به اعمال و رفتار و برخوردها و افکار و حالات روحی و درونی و سنجش‌ها و بینش‌ها و قضاوت‌های افراد گسترش می‌یابد. در یک کلام با تغییر فرهنگ همه شئون سیاسی، اجتماعی و

## تبادل فرهنگی یا تهاجم فرهنگی

برخی افراد و جریان‌های مشکوک، مسئله دار و یا فریب‌خورده که به تعبیر رهبر معظم انقلاب، نقش «ستون پنجم» دشمن را در این تهاجم فرهنگی بازی می‌کنند، برای انحراف اذهان عمومی و به ویژه به قصد خام و خواب نمودن دست‌اندرکاران امور فرهنگی، و با به منظور توجیه برخی عملکردها و دیدگاه‌ها و اندیشه‌های خویش، وجود جریانی حساب شده و با برنامه از پیش تعیین شده به نام «تهاجم فرهنگی» را انکار نموده و آن را یک نوع «تبادل فرهنگی» که همواره در میان ملت‌ها صورت می‌گرفته، قلمداد می‌نمایند. در تبادل فرهنگی هدف ریشه کن کردن و از بین بردن فرهنگ ملی نیست. ولی در تهاجم فرهنگی هدف ریشه کن کردن و از بین بردن فرهنگ ملی است. در تبادل فرهنگی ملت گیرنده فرهنگ، چیزهای مطبوع، دلنشین، خوب و مورد علاقه را می‌گیرد. تهاجم فرهنگی چیزی نیست که امروز به عنوان شیوه‌ای جدید به کار رود بلکه در طول تاریخ بشری در اشکال مختلف علیه انبیای الهی و حرکت‌های انقلابی مورد استفاده قرار گرفته است. و در طول تاریخ پر ماجرای اسلام دشمن بارها از این حربه‌ها استفاده نموده است داستان غم‌انگیز و عبرت آموز مسلمانان در اسپانیا نمونه‌ای از این تهاجم است.

## اولین و آخرین قدم تهاجم فرهنگی

براساس تعریف فرهنگ که گفتیم که همان مایه‌های فکری یک ملت می‌باشد، اولین قدم در تهاجم فرهنگی تغییر اساس و پشتوانه فکری و ارزش یک ملت می‌باشد چون هر ملتی بر اساس نوع فکر و اندیشه‌اش، اقدام به کاری می‌کند چون اگر الگوهای ملتی روحیه صرفه‌جوئی، تولید، غیرت، تعصبات صحیح، جوانمردی، ایثار، از خودگذشتگی و احترام به بزرگان می‌باشد به این دلیل است که پشتوانه فکری آن‌ها می‌باشد؛ بر این اساس برای اینکه بر چنین ملتی تسلط یابند باید این باورها و مایه‌های فکری عملی آن‌ها را بگیرند به جای روحیه صرفه‌جوئی، روحیه چشم و هم‌چشمی و مد را بدهند، به جای غیرت و تعصب در ملتی روحیه بی بندوباری و فحشا را تزریق کنند و به جای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر عبارت هر کس را در قبر خودش می‌خوابانند را به مردم دیکته کنند؛ چنین تبلیغ کنند که این‌ها مظاهر فرهنگ است و هر کس خودش را مطابق این کارها نکند یا بر علیه آن‌ها قدم بردارد افرادی متجر و بی‌عقل می‌باشند؛ اگر دشمن به چنین کاری پیروز شد، آغازگر بدبختی این ملت خواهد گردید.

## سخن آخر

به نظر بنده راه‌حلی که ما را در مقابل تهاجمات روزافزون دشمن در امان نگه می‌دارد و ما را از تباهی دور



می‌کند، تلنگر زدن به خویشتن می‌باشد.

به چه دلیل آفریده شده‌ایم؟

ایستگاه آخر مترویی که سوار شدیم کجاست؟

برای رسیدن به آن هدف، به آن مقصد به چه ابزاری نیازمندیم؟

آیا واقعا باید آنقدر برای ابزار وقت بگذاریم، که غافل از هدف شویم؟

آیا سزااست آنقدر غرق در رسیدن به هدف‌هایی شویم که همه ابزارند برای رسیدن به هدف اصلی زندگی؛ کار ته‌اجم فرهنگی این است، که ما را آنقدر سرگرم به دنیا می‌کند که غافل از مقصد میشویم.

اگر سری به شبکه‌های اجتماعی که بیشتر وقت جوانان جامعه را گرفته‌اند بزنید می‌بیند که درصد قابل توجهی از مطالب، محتوایی هستند که ما را از مسیر اصلی دور می‌کند.

من نمی‌گویم که از رسانه‌های اجتماعی استفاده نکنیم، در واقع این محتوا مانند شمشیر دو لبه می‌باشد؛ بلکه باید تعادل را رعایت کنیم و همیشه باید در نظر داشته باشیم هدف تولید این محتواها سرگرم کردن مخاطب می‌باشد و نباید زندگی حقیقی خود را فدای فضای مجازی کنیم.

باید تلنگری به مسئولین نیز زد که فرهنگ اسلامی که در برگیرنده سیره اهل بیت و کلام خداوند می‌باشد را در بستری به روز و جوان پسند در اختیار جامعه قرار نداده‌اند و قدمی به این سو برنداشته‌اند و فقط به واژه‌ی جمهوری اسلامی ایران اکتفا کرده‌اند و از اسلام در زمینه‌های مختلف بانکداری و اجتماعی و سیاسی و... استفاده نکرده‌اند برای مثال اکثر کتاب‌هایی که در دانشگاه‌ها با عنوان علوم انسانی آموزش داده میشود ترجمه شده‌ی افکار نویسندگان غربی می‌باشد؛ در واقع فرهنگ اسلام به ذات خود عیب ندارد بلکه خلاقیتی که موجود است از مسلمانی ماست.

متأسفانه مسئولان ریل‌گذاری حرکت جوانان ما را به

غرب سپرده‌اند، این مشخص است مقصد همان است که آن‌ها می‌خواهند، اشتباه نکنید منظور من این نیست که از فرهنگ دیگران استفاده نکنیم؛ بلکه تقلید کننده‌ی صرف نباشیم و کورکورانه عمل نکنیم و اگر تجارب و فرهنگ آن‌ها قدم‌های ما را برای رسیدن به هدف نهایی سست می‌کند باید به آن‌ها نه بگوییم؛ برای اینکه قطار زندگی خویش را در ریل صحیحی حرکت دهیم باید متناسب با یک نظام فکری صحیحی عمل کنیم و باید ملاک معرفتی داشته باشیم وگرنه در جهان امروزی جریان‌های فکری بسیاری موجود می‌باشد، جوان امروزی باید بداند کدام درست است باید قدرت تحلیل مسائل داشته باشد چرا که شرایط تغییر می‌کند، دشمن همیشه از یک نقطه حمله نمی‌کند.

متأسفانه در جامعه‌ی ما بعضی افراد ملاک پیشرفت را پا گذاشتن در جای پای غرب می‌دانند و به سنت و تمدن خویش توجهی ندارند.

گاهی اوقات باید انگشت اتهام را به سمت خویش نیز بگیریم، چرا که طبق گفته‌ی خداوند: ((همانا خداوند حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنکه آنان حال خود را تغییر دهند))

پس با توجه به مطالب گفته شده می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که از میان انواع تهاجمات؛ تهاجمات فرهنگی با نظر بر اینکه اساس رفتار و اندیشه هر ملتی را هدف قرار داده خطرناکتر بوده زیرا ملتی که از نظر فرهنگی، جیره خوار ملتی دیگر باشد صددرصد از نظر نظامی، سیاسی، اقتصادی نیز جیره خوار همان ملت خواهد شد، پس مهمترین وظیفه ما شناخت فرهنگ مذهبی و ملی منطقه‌مان و حراست از فرهنگ خودمان می‌باشد زیرا امروزه خط مقدم آنجاست؛ که در غیر از این صورت اگر کار از کار بگذرد و ما دیر متوجه باشیم، نوشداروی بعد از مرگ سهراب خواهد شد و سودی بیش از حسرت خوردن نخواهد داشت.



# فرهنگ و ارزش‌های اسلامی فراموش شده در عصر امروز

## \*الگو سازی

\*ایجاد شرایط و موقعیت برای مطرح کردن ارزش‌های اسلامی

\*توجه به زمان: بیان و تشریح به روز ارزش‌های دینی

فراموشی و نسیان یک ویژگی انسانی است که به تعبیر کلمه؛ انسان از نسی یعنی، فراموشی گرفته شده است طبعی است که انسان اگر ملازمت و تکرار و مراقبت بر چیزی نداشته باشد آن را به فراموشی می‌سپارد و بالعکس تکرار و مراقبت از چیزی باعث ملکه شدن آن می‌شود.

شما فکر کنید چندین سال چگونه پختن قورمه سبزی را ندیده‌اید بویش را و مزه‌اش را نچشیده‌اید؛ خب، مسلماً شما کسی نخواهید بود که بتواند شارح خوبی برای طرز پختن و مزه و بوی قورمه‌سبزی باشد.

فرهنگ و ارزش‌های اسلامی از منابع وحیانی و الهی می‌باشند که دوری از این منابع فراموشی سیل عظیمی از این مسائل را در بر خواهد داشت.

یک چیزی که سبب اتصال این منابع و این ارزش‌ها نسبت به جوامع بشری بوده است انبیا و ائمه طاهرین و معصومین صلوات الله علیهم اجمعین بودند که مسئله الگوسازی را مطرح می‌کنند که قرآن کریم حضرت ابراهیم خلیل (سلام الله علیه) و پیامبر خاتم (صلی الله علیه

و آله و سلم) را الگو و اسوه حسنه می‌خواند جامعه بشری که الگوهایش از این‌ها نباشد معلوم است که ارزش‌هایی را که این‌ها مبلغ آن هستند را نخواهند داشت بزرگترین مسئله مورد غفلت و فراموشی ما الگو برای جامعه بشری می‌باشد یک نگاهی به جوانان، مردان و زنان و کودکان کنیم قهرمان و الگوی این‌ها چه کسانی هستند؟!

علت چیست؟! شیطان و جنودش کار خودشان را بلدند و پیکار ننشسته‌اند یک دردی که انبیا و ائمه طاهرین از آن‌ها می‌گفتند این بود که دوستان ما آن چنان محبت و پشتیبانی و اعتماد به ما ندارند آنگونه که دشمنان ما به سران خود دارند امیرالمومنین (صلوات الله و السلامه علیه) می‌فرماید: قیمت و ارزش آدمی به قدر همت اوست.

با این که الگوهای اسلامی خیلی در دنیا هم مطرح شده‌اند اما آنگونه که باید هنوز شناخته نشدند و سیره، شخصیت و مقام اینان بسیار و بسیار مظلوم و ناشناخته واقع شده است. دشمن برای الگوهای خودش خرج می‌کند از وقت، پول و ... یک مسیحی می‌گوید اگر ما امام حسین شما را داشتیم بر هر چهار راه یک مبلغ می‌گذاشتیم که از او بگوید.

مسئله بزرگ دیگر که این مسئله را تحت الشعاع قرار می‌دهد مسئله مشکلات اقتصادی مردم است.

(من لا معاش له لا معاد له)؛ از دری که فقر وارد شود از در دیگر دین خارج می‌شود.

متأسفانه اول و آخر فهم اصیل دینی برای ما نبوده.

اگر مبلغان دینی بر مسائل و معاش مردم تأکید داشتند و نیازهای اولیه آن‌ها را برطرف می‌کردند آن‌ها گوش به حرف می‌دادند مردی که گرسنه است و فکرش درگیر سیر کردن شکم زن و بچه‌اش است، چگونه می‌تواند فراگیر این مطالب باشد.

در اینجا بعضی شاید خرده بگیرند که شما ارزش و مسئله دین را پایین‌تر از مسائل دنیوی و معاش آورده‌اید. خیر؛ این طور نیست، شما یک کودک را در نظر بگیرید که یک چیز را می‌خواهد خوب، شما قرار است یک چیز خیلی مهم تر به او بدهید اما او متوجه آن نیست شما به عنوان کسی که دلسوزتر از او هستید آن چیز را به دستش می‌دهید وقتی آرام شد، او را متوجه می‌کنید که فلان چیز خیلی مهم‌تر است.

ما اول باید آرامش را در محیط و زندگی مردم عادی کنیم بعد بیاییم از ارزش این مطالب بگویم که احساس نیاز در این افراد شکل بگیرد و وقتی متوجه شوند که این مسائل چه اهمیتی دارند، دیگر از معاش خود هم برای دین می‌زنند.

یک مسئله دیگر که وجود دارد، این مسئله است که افکار به این سمت است که دین یک مقوله جداست مثل خیلی از مسائل دیگر. در حالی که، دین تمام مسائل و جنبه‌های زندگی ما را فراگرفته است؛ مسائل: روحانی، اقتصادی معاش، خانواده، تربیت، اجتماع، اخلاق و ...

تشریح و تصریح دقیق و درست این‌ها باعث می‌شود مردم به سمت این مسائل روی بیاورند (صداقت برای مردم خیلی مهم است).

در این مورد برخی بر این باور هستند که نمی‌شود این مسائل را برای زندگی مدرن و امروزه به کار برد و این می‌طلبند که مبلغان دینی مسائل دینی را با توجه به مسائل روز دنیا مطرح و تشریح کنند.

یک مسئله دیگر که باعث فراموشی ارزشی این مسائل می‌شود؛ عدم اعتماد به ارزشی بودن این مسائل است.

که عوامل مختلفی دارد، یکی از این عوامل: اختلاف داشتن بین مدعیان دین می‌باشد که هر کسی حرف خودش را می‌زند و مردم نمی‌دانند به چه کسی اعتماد کنند و عده زیادی در این مسیر ریزش می‌کنند. چون؛ همه آنقدر قوی و پایبند نیستند که بخواهند نقش کشاف را داشته باشند.

یک مورد دیگر، عدم تطابق کلام و عمل مبلغان دینی است که اعتماد ارزشی نسبت به این مسائل را از بین برده است.

و من الله التوفیق



نویسنده  
رضا گرجی دنگلانی





# مصاحبه با دانش‌آموزان پرديس آيت الله خامنه‌اي گرگان

۴. به نظر من در صورتی که معلم به روش‌های تدریس و کنترل کلاس‌های چند پایه مسلط باشد این کلاس‌ها تدریس در این کلاس‌ها خیلی دشوار نیست ولی متأسفانه در کشور ما برای کلاس‌های چند پایه نسبت به کلاس‌های تک پایه تفاوتی قائل نیستند و حجم زیاد مطالب کتاب‌های درسی از کیفیت آموزشی می‌کاهد و نبود مشوق‌های کافی برای معلمان این کلاس‌ها باعث بی‌انگیزگی آن‌ها می‌شود.

۴. پیشنهاد شما در رابطه با راهکارهای برون رفت آموزش و پرورش از مشکلات و چالش‌هایی که در عرصه علمی و فرهنگی جامعه امروز ما وجود دارد، چیست؟  
متأسفانه آموزش و پرورش سخت بیمار است و نیاز به عمل جراحی همه جانبه دارد معلم، دانش‌آموز، محتوای آموزشی فضای آموزشی و... همگی مورد بی‌توجهی مسئولان است.

دید مسئولین به آپ باید تغییر کند آپ یک وزارتخانه‌ی مصرفی نیست بلکه هزینه این بخش سرمایه‌گذاری برای آینده است.

برنامه‌ی درسی باید دانش‌آموز را برای زندگی آموزش دهد و تربیت کند نه برای ورود به دانشگاه.

معیشت معلمان، عدم کارآمدی مسئولین آپ برای اداره‌ی این بخش مهم، سیاست‌زدگی در بین مسئولین این حوزه و... از مشکلات مهم آموزش و پرورش است که جز با تربیت و ورود دانش‌جو معلمان انقلابی و دغدغه‌مند به عرصه‌های مدیریتی و آموزشی قابل حل نیست.

۵. توصیه شما به دانش‌جو معلمان جهت اینکه در دوران تحصیلات دانشگاهی خود بیشترین بهره را ببرند چیست؟

متأسفانه دانش‌جو معلمان با دستاویز قرار دادن بهانه‌ی کم‌کاری دانشگاه و کیفیت پایین رفاهی و آموزشی، خود را از تلاش معاف می‌کنند که مطمئناً پیشمان می‌شوند.

۱. لطفاً خود را معرفی کنید و بگویید اکنون در کدام قسمت از آموزش و پرورش مشغول به کار هستید؟

بنده پیمان زینلی دانش‌آموخته‌ی ورودی ۹۴ در رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان پردیس آیت الله خامنه‌ای، و هم‌اکنون در روستای سرته از توابع شهرستان رامیان در کلاسی سه پایه مشغول به حرفه‌ی معلمی هستم

۲. آموزش‌های دانشگاه فرهنگیان چقدر توانسته شما را در امر تدریس و مدیریت کلاسی یاری نماید؟

معلمان نسبت به حرفه‌ی معلمی، به صورتی که دید واقع بینانه‌تری پیدا می‌کنند، نسبت به بهبود آن دغدغه‌مند می‌شوند و خود را برای آن شرایط آماده می‌کنند.

که به نظر من این دانشگاه با وجود اینکه در پایین‌ترین سطح کیفیت آموزشی و تربیتی است این اثر را به روی دانشجویان برجا می‌گذارد.

اما در باب دروس ارائه شده در دانشگاه تقریباً هفتاد درصد واحدهای ارائه شده کاربردی ندارد یا به صورت ضعیف و توسط اساتید ضعیف تدریس می‌گردد.

من به شخصه بیشتر تجربه را از درس کارورزی و ارتباط محدود با اساتید دغدغه‌مند، دلسوز و باسواد بدست آوردم.

۳. تجربیات مفید آموزشی یا تربیتی که از کلاس درس تاکنون کسب کرده‌اید را بیان کنید.

۱. هماهنگی خانواده و مدرسه امری بسیار مهم برای رسیدن به اهداف آموزشی است

۲. عدم ترس دانش‌آموزان از معلم و احساس آرامش با حضور معلم در یادگیری آن‌ها تاثیر زیادی دارد.

۳. قوانین و حدود باید در همان ابتدا برای دانش‌آموزان مشخص شود.



۶. آگه دوباره به دانشگاه و دوران تحصیل خود باز می‌گشتید چه کار هایی را انجام می‌دادید؟

به معدل و واحدهای غیر کاربردی اهمیت زیادی نمیدادم در عوض واحدهای مهم را به خوبی پیگیری می‌کردم حتی در صورت ضعیف بودن استاد مربوطه.

یک برنامه‌ی مطالعاتی مرتبط شغلم را با در نظر می‌گرفتم و در یک گروه مطالعاتی متشکل از رفقای خودم پیش می‌بردم.

به دنبال تخصصی می‌رفتم، و فعالیت‌های تشکیلاتی زودتر شروع می‌کردم.

۱. لطفاً خود را معرفی کنید و بگویید اکنون در کدام قسمت از آموزش و پرورش مشغول به کار هستید؟

سلام علیکم، وهاب بهرامی فارغ التحصیل رشته علوم اجتماعی از دانشگاه پردیس آیت الله خامنه‌ای گرگان می‌باشم.

۲. آموزش‌های دانشگاه فرهنگیان چقدر توانسته شما را در امر تدریس و مدیریت کلاسی یاری نماید؟

تقریباً در ۶۰ درصد از شخصیت بند برای وظیفه معلمی نقش داشته است خصوصاً سال پایانی یعنی دو ترم آخر آن.

۳. تجربیات مفید آموزشی یا تربیتی که از کلاس درس تاکنون کسب کرده‌اید را بیان کنید.

کلاس داری از دانش علمی هم مهم‌تر است و چند مورد در این امر یاری رسان هستند: الف) شناخت محیط اجتماعی و فرهنگی مورد تدریس ب) شناخت دانش‌آموزان و شخصیت خانوادگی‌شان ج) داشتن طرح درس سالانه و روزانه حتی به صورت ذهنی و تئوری و نه مکتوب د) مدارا با دانش‌آموزان خاطی و عدم مشاجره با آن‌ها ه) اقتدار در سخنوری به موقع سخن گفتن، بیهوده سخن نگفتن خ) تشنه کردن مخاطبان در مورد موضوع مورد بحث و

منتظر گذاشتن مخاطب ن) منظم بودن در برنامه امتحانی طرح سوال و عمل کردن به سخنان خود در طول سال تحصیلی ه) احياناً اگر فراگیران رفتار ناشایستی داشتند و یا انتظارات آموزشی را رعایت نکردند حتماً نامه اولیا چاره‌ساز می‌باشد.

۴. پیشنهاد شما در رابطه با راهکار های برون رفت آموزش و پرورش از مشکلات و چالش‌هایی که در عرصه علمی و فرهنگی جامعه امروز ما وجود دارد، چیست؟

هدف از تأسیس وزارتخانه آموزش و پرورش و حتی شروع به کار مجدد دانشگاه‌های فرهنگیان به این خاطر می‌باشد که مشکلات در عرصه علمی و فرهنگی رفع شود، درصد زیادی از این مشکلات ریشه در آموزش و پرورش دارد اما نمی‌توان این امر را غافل شد که وزارتخانه‌های دیگر برای بهبود اوضاع نقشی ندارند؛ هر چند نقش آن‌ها به آموزش و پرورش نمی‌رسد اما بی مسئولیت هم نیستند اولاً وزارتخانه آموزش و پرورش باید وزارتخانه‌های دیگر را با خود همسو کند مثلاً برای دوران بلوغ فراگیران با وزارت بهداشت برنامه‌ریزی‌های انجام دهند یا برای عدم انحراف افراد از طریق رسانه‌های جمعی با وزارت ارتباطات هماهنگی‌هایی ایجاد کند و یا برای استعدادیابی در امر ورزش با وزارت ورزش هماهنگی‌هایی داشته باشد و ارزیابی‌هایی داشته باشد. به نظر بنده مهم‌ترین اصل که بهتر بود زودتر بیان می‌کردم و آن هدف و یا غایت فعالیت آموزش و پرورش است که چه می‌خواهد باشد؟ باید نقشه راه ترسیم شود باید موانع بررسی شود و کاملاً باید تحقیق و پژوهش انجام بشود

۵. توصیه شما به دانشجو معلمان جهت اینکه در دوران تحصیلات دانشگاهی خود بیشترین بهره را ببرند چیست؟

انسان‌ها و بشر به جز اولیا الهی هیچ وقت کامل نیستند لذا خود را نباید کامل بدانند، این طرز فکر موجب می‌شود در هر حال جویای علم و مشغول خردورزی باشند اولاً حتماً اهل مطالعه باشند، مثلاً سیر مطالعاتی شهید مطهری و یا آثار شهید آوینی و یا مجموعه‌ای از





هم‌پا و همرنگ آنان شد. کودک درون را بیدار کرد و به بچه‌ها نشان داد که شما هم یکی از آنها هستید. وقتی به شما اعتماد کردند و اجازه دادند وارد دنیای کودکانه آنها بشوی، تربیت شروع می‌شود. تربیت برای بچه‌ها وقتی شروع می‌شود که دوست هم باشید. دانش‌آموزان به هم بازی‌ها و دوستانه‌ی اعتماد می‌کنند.

۴. پیشنهاد شما در رابطه با راهکارهای برون رفت آموزش و پرورش از مشکلات و چالش‌هایی که در عرصه علمی و فرهنگی جامعه امروز ما وجود دارد، چیست؟

بسیاری از مشکلاتی که آپ با آن دست و پنجه نرم می‌کند، از نگاه غلط به آن بوجود آمده است. با مطالعه و بررسی کشورهای پیشرفته، به این نکته دست خواهیم یافت که این کشورها عموماً از سطح آپ بالایی برخوردار هستند که نوع تفکر و نگاه‌شان به مسئله آپ و کودک موجب پیشرفت آنها شده است. بنابراین برای برون رفت از مشکلات ابتدا باید چشم‌ها را شست و جور دیگر به مسئله آپ بنگریم. همانطور که رهبر معظم انقلاب به آن اشاره کرده‌اند که نگاه کوتاه بینانه به آپ برای جامعه خسارت دارد

۵. توصیه شما به دانشجو معلمان جهت اینکه در دوران تحصیلات دانشگاهی خود بیشترین بهره را ببرند چیست؟

قبل از هر چیزی به فکر افزایش کیفیت زندگی خودشان باشند. اگر اشتیاق، عشق به زندگی و باور به خوب بودن را در خودتان تقویت کنید، می‌توانید معلمانی باشید که با دیدی باز و ذهنی سخاوتمند با دانش‌آموزان برخورد کنید.

معلمان آینده، بیشترین موقعیتی که برای یادگیری دارید، عرصه کارورزی است. هرچند در آن صورت هم، باز تا واقعیت معلمی فاصله دارید اما بهترین موقعیت و میدان برای یادگیری آنهاست. تجربه کنید، پرسند، ترسند و خیلی چیزها را خودشان لمس کنند و صبر، صبر و صبر. تا می‌توانید تمرین صبوری کنید. توکل کنید و بدانند که عشق و علاقه‌شان خیلی چیزها را حل می‌کند

علوم عقلی و یا حسی، فلسفه، حکمت و یا تاریخ. هرچند به سلاقی دانشجو معلمان برمی‌گردد؛ ثانیاً در طول این دوران با دبیران مجرب و نمونه استان و اساتید مجرب نسبت به امور کلاس‌داری و علمی سوالاتی پرسند که پاسخ‌های آنها راهگشای اتفاقات آینده باشد. حتماً به کتبی که بعد از فارغ التحصیلی قرار است تدریس کنند کاملاً مسلط باشند و ضمناً یک برنامه‌ریزی برای ادامه تحصیل داشته باشند، این که ارشد چی دوست دارند بخوانند و اموری از این دست که لازمه‌اش برنامه‌ریزی دقیق می‌باشد.

۶. آگه دوباره به دانشگاه و دوران تحصیل خود باز می‌گشتید چه کارهایی را انجام می‌دادید؟

بیشتر مطالعه می‌کنم و یک برنامه‌ریزی برای ارشد و خصوصاً کتب و روش تدریس خواهم داشت؛ موفق و پیروز باشید.

۱. لطفاً خود را معرفی کنید و بگویید اکنون در کدام قسمت از آموزش و پرورش مشغول به کار هستید؟

سید علی مسلمی هستم. فارغ التحصیل دانشگاه فرهنگیان و در حال حاضر آموزگار چند پایه در مناطق عشایری مشغول به تدریس هستم.

۲. آموزش‌های دانشگاه فرهنگیان چقدر توانسته شما را در امر تدریس و مدیریت کلاسی یاری نماید؟

آموزش‌های دانشگاه فرهنگیان تا حدودی توانسته به بنده در امر تدریس و مدیریت کلاسی کمک کند اما بیشترین تاثیر، از دوران کارورزی و استفاده از تجارب معلمان کارآموده و پرسیدن سوالات مختلف از آنها بوده است

۳. تجربیات مفید آموزشی یا تربیتی که از کلاس درس تاکنون کسب کرده‌اید را بیان کنید.

تجارب زیاد بوده اما آموخته ام ارتباط معلم و دانش‌آموز مهمترین مسئله است. بطور کلی زندگی با بچه‌ها ویژگی‌های خاص خودش را دارد، باید





۳. تجربیات مفید آموزشی یا تربیتی که از کلاس درس تاکنون کسب کرده‌اید را بیان کنید.

من امسال دانش‌آموزی به نام ص.ی دارم که به شدت در یادگیری کند می‌باشد به طوری که همه همکارها که در سال‌های قبل معلم او بودند از او ناامید هستند، این دانش‌آموز امسال با توجه به وظایفی که بر عهده او قرار می‌دهم خیلی به درس خواندن علاقه پیدا کرده است و تا اینجا مورد موفق من بوده است.

۴. پیشنهاد شما در رابطه با راهکارهای برون رفت آموزش و پرورش از مشکلات و چالش‌هایی که در عرصه علمی و فرهنگی جامعه امروز ما وجود دارد، چیست؟

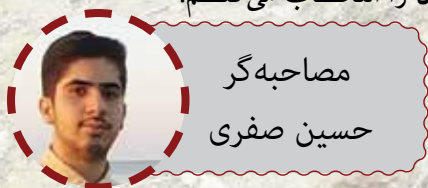
به نظر من آموزش و پرورش باید در حوزه بروز خلاقیت دانش‌آموزان خیلی جدی‌تر کار کند و تمام تلاش خود را در این زمینه انجام دهد، در ضمن آرامش فکری معلم را نباید به این سادگی کنار گذاشت.

۵. توصیه شما به دانشجو معلمان جهت اینکه در دوران تحصیلات دانشگاهی خود بیشترین بهره را ببرند چیست؟ استفاده از وقت برای کسب تخصص و محدود نبودن به دانشگاه

به نظر من دانشجو معلمان باید به کارورزی خود اهمیت بیشتری بدهند زیرا تنها واحدی است که خیلی خیلی کاربردی است و با شغل آنها به شدت رابطه مستقیم دارد.

۶. اگر دوباره به دانشگاه و دوران تحصیل خود باز می‌گشتید چه کارهایی را انجام می‌دادید؟

من اگر دوباره به دوران تحصیل برگردم سعی می‌کنم که مطالب اساتید را با جدیت بیشتری دنبال کنم و به رشته خودم تسلط کافی پیدا کنم حتی در این زمینه کتابی هم تالیف کنم؛ در کل دانشگاه فرهنگیان را دوست دارم و اگر برگردم به عقب دوباره آن را انتخاب می‌کنم.



مصاحبه‌گر  
حسین صفری

بعلاوه در کنار آن، رمان کودک و نوجوان بخوانید، دنیای کودکان را کشف کنید و به تحلیل دنیای پیرامونشان مشغول باشید.

مطمئن باشید با تلاشی که حاصل انگیزه‌ای که کودکان به شما می‌دهند، به معلمانی متفاوت بدل می‌شوید.

۶. اگر دوباره به دانشگاه و دوران تحصیل خود باز می‌گشتید چه کارهایی را انجام می‌دادید؟

به شخصه فکر نمی‌کنم در دوره دانشجویی کاری بوده که بایستی انجام می‌دادم تا به کارم بیاید و انجام ندادم. البته که شاید لازم بود بیشتر از بار علمی استادان باتجربه دانشگاه استفاده کنم و نظراتشان را درباره عکس‌العمل و اقدام معلم در موقعیت‌های مختلف بدانم که البته به طور طبیعی دانشجو تا رسمی و واقعی در موقعیت معلمی قرار نگرفته باشد چنین سوالاتی کمتر برایش پیش می‌آید.

همکاران جوان، از شما خواهش می‌کنم که ضمن درک جایگاه مقدس و ارزشمندی که در آن قرار گرفته‌اید، در تمامی ابعاد (به ویژه پژوهش و فنون تدریس) خودتان را تقویت کرده و آماده حضوری قدرتمند در جامعه تعلیم و تربیت کشور شوید. برای تغییر همه باید از خودمان شروع کنیم.

۱. لطفاً خود را معرفی کنید و بگویید اکنون در کدام قسمت از آموزش و پرورش مشغول به کار هستید؟

سلام، بنده علی میر فرزند غلامرضا متولد گرگان هستم و اکنون در شغل آموزگاری پایه ششم در دبستان نبی اکرم شهر گرگان انجام وظیفه می‌کنم.

۲. آموزش‌های دانشگاه فرهنگیان چقدر توانسته شما را در امر تدریس و مدیریت کلاسی یاری نماید؟

آموزش‌های دانشگاه فرهنگیان فی‌الانفسه خوب است اما آن قسمت‌هایی که در واحد کارورزی گذراندم خیلی بیشتر به کارم آمد تا قسمت‌های تئوری و نظری.



قبل از آنکه به معرفی کتاب پردازیم باید به این سوال جواب دهیم که اصلاً چرا باید کتاب بخوانیم؟

جالب است بدانید نتایج یک تحقیقات در امریکا نشان داد افرادی که ۳۰ دقیقه در روز مطالعه می کنند و آن را جزء کارهای روزمره خود به حساب می آورند، ۲ سال بیشتر از افرادی که عادت به مطالعه ندارند عمر می کنند؛ چرا که استرس کمتر و آرامش بیشتری دارند و در کل سالم ترند. مطالعه و کتاب خوانی اثرات زیادی را بر سبک زندگی و نوع نگاهی که افراد یک جامعه به جهان دارند، می گذارد. به طوری که اگر ملتی تجربیات سایر ملتها را از طریق مطالعه و کتاب خواندن در نیابد خودش تجربه ای برای دیگران می شود و محکوم به تکرار اشتباهات آنها است. ویکتور هوگو در این باره جمله تلنگر آمیزی دارد که می گوید: (( مجبور نیستید برای از بین بردن فرهنگ یک ملت، کتاب هایشان را بسوزانید، فقط کاری کنید که مردم آنها را نخوانند. ))

اما کتابی را که در این قسمت برایتان معرفی خواهیم کرد با توجه به شرایط امروز جامعه ما انتخاب شده است:

مسئله مربوط به آسیب های اجتماعی از دیرباز در جامعه بشری مورد توجه اندیشمندان بوده است.

همزمان با گسترش انقلاب صنعتی و گسترش دامنه نیازمندی ها، محرومیت های ناشی از امکان برآورده شدن خواسته ها و نیازهای زندگی، موجب گسترش شدید و دامنه دار فساد، عصبان، تبه کاری، سرگردانی، دزدی، انحراف جنسی و دیگر آسیب ها شده است.

همه این ها سبب شده است تا ما سمت کتابی برویم که به طور کامل و جامع درباره ی این موضوعات سخن گفته باشد.

عنوان: آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات)

مؤلف: هدایت الله ستوده عضو هیات موسس و هیات امنای موسسه آموزش عالی علاءالدوله سمنانی - گرمسار

ناشر: آوای نور

محل انتشار: تهران

برخی از کتاب های این مؤلف:

- ۱) تاریخ تفکر اجتماعی اسلام
- ۲) جامعه شناسی در ادبیات
- ۳) نماد شناسی

\* حال این کتاب را در دو بعد ظاهری و محتوایی مورد بررسی قرار می دهیم:

بعد ظاهری: این کتاب در ۲۴۸ صفحه، سه بخش و سیزده فصل نوشته شده است به صورتی که ارتباط هماهنگ و منظمی با محتوا دارد.

جلد این کتاب به زیبایی با محتوا ارتباط و همخوانی دارد به این صورت که آتش در بین برگ های سبز، زرد، قرمز افتاده است؛ و اشاره به این مسئله دارد که آسیب های اجتماعی همچون آتشی است که گزندش به همه افراد جامعه در هر سنی می رسد.

بعد محتوایی: محتوای این کتاب به صورت سه بخش جدا از هم ولی پیوسته تقسیم بندی شده است.

بخش اول: تعریف ساده ای از آسیب های اجتماعی؛ کثرت فکری و جرایم و انواع آنها.

بخش دوم: در این بخش نویسنده به تبیین سه گانه؛ زیست شناختی، روان شناختی و جامعه شناسی می پردازد.

بخش سوم: به بررسی برخی از انواع آسیب های اجتماعی خاص اشاره دارد.

کلمات کلیدی در کتاب: آسیب های اجتماعی، کثرت فکری، هنجارهای اجتماعی.

برای آشنایی بیشتر و بهتر با کتاب در موخره این متن چند جمله طلایی را با هم مرور می کنیم.

۱) آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق میشود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی رسمی و غیر رسمی جامعه است. (فصل اول، صفحه ۱۹)

۲) یکی از ساختارهای مهم کنترل اجتماعی در اسلام امر به معروف و نهی از منکر است. (فصل هفتم، صفحه ۱۳۶)

۳) بزرگترین موج خودکشی بعد از جنگ در جوامع صنعتی بین جوانان ۱۵ تا ۲۴ سال بوده است. برخی از دلایل این امر عبارتند از: بیکاری دسته جمعی و ناکامی های ناشی از آن حتی در بین افرادی که دارای تحصیلات عالی بوده اند، کاهش اعتقادات مذهبی؛ مدارا با رفتارهای انحرافی در خرده فرهنگ جوانان و اثرات طلاق بر کودکان.

\* برای دریافت این کتاب می توانید به سایت کتابخانه پردیس آیت ... خاмене ای گران (کتابخانه رشدیه) مراجعه فرمایید.



نویسنده  
مرتضی کول میرپور





# آخر ترم

باز آخر ترم و یک آه بر دل مانده  
وضعیتمان در آخر ترم شده است  
فاش می‌گوییم و از گفته خود دل شادم  
کار یک هفته من بسط نشینی شده بود  
تا که فرمانده یک لشکر افتاده شدم  
حمله با اسلحه گریه، ولیکن استاد  
پدر امروز بفهمد، فردا من  
من به خرداد پر از حادثه عادت دارم  
از کجا آمد ام؟ آمدنم بهر چه بود؟  
این مسائل همه بد بختی هر ترم من است  
اول ترم در پی تفریحم و بس

یک گوشه کتاب و جزوه ها ول مانده  
مانند آن بزرگوار در گل مانده  
ترم آخر شد و یک بار دیگر افتام  
بله چون نمره نمی‌داد به من، استادم  
حمله کردیم به دانشکده با افرادم  
نمره ای داد که یادی کنم از اجدادم  
چون خیاری نگینی شده در سالادم  
البته خسته از حادثه خردادم  
به کجامی روم آخر، چه شد استعدادم؟  
هیچ کسی نیست که گاهی بکند دل شادم  
آخر ترم معتکف مسجد گوهر شادم





# روانشجو

عزیزان حراست، باغبانانی ابر قدرت

که بعضا کود می پاشند اینجا روی دانشجو

مدیران با کباب و جوجه و تهدیگ اعیانی

کجا دانند حال ماست، با کوکوی دانشجو

کباب سلف ما هم قد انگشت رضا زاده

بدین ترتیب افزون می شود نیروی دانشجو

پسر ها دلخور از تفکیک، می گویند با گریه

نمی گیریم دیگر، جزوه از بانوی دانشجو

مگر دائم نمی گویند فرزند آوری، وصلت

چگونه ؟ گرده افشانی ندارد دانشجو

حراست از رگ گردن به ما نزدیک تر بوده

فقط کم مانده پا گذارد روی دانشجو

به ما هر سال می گویند که بهتر می شود آخر

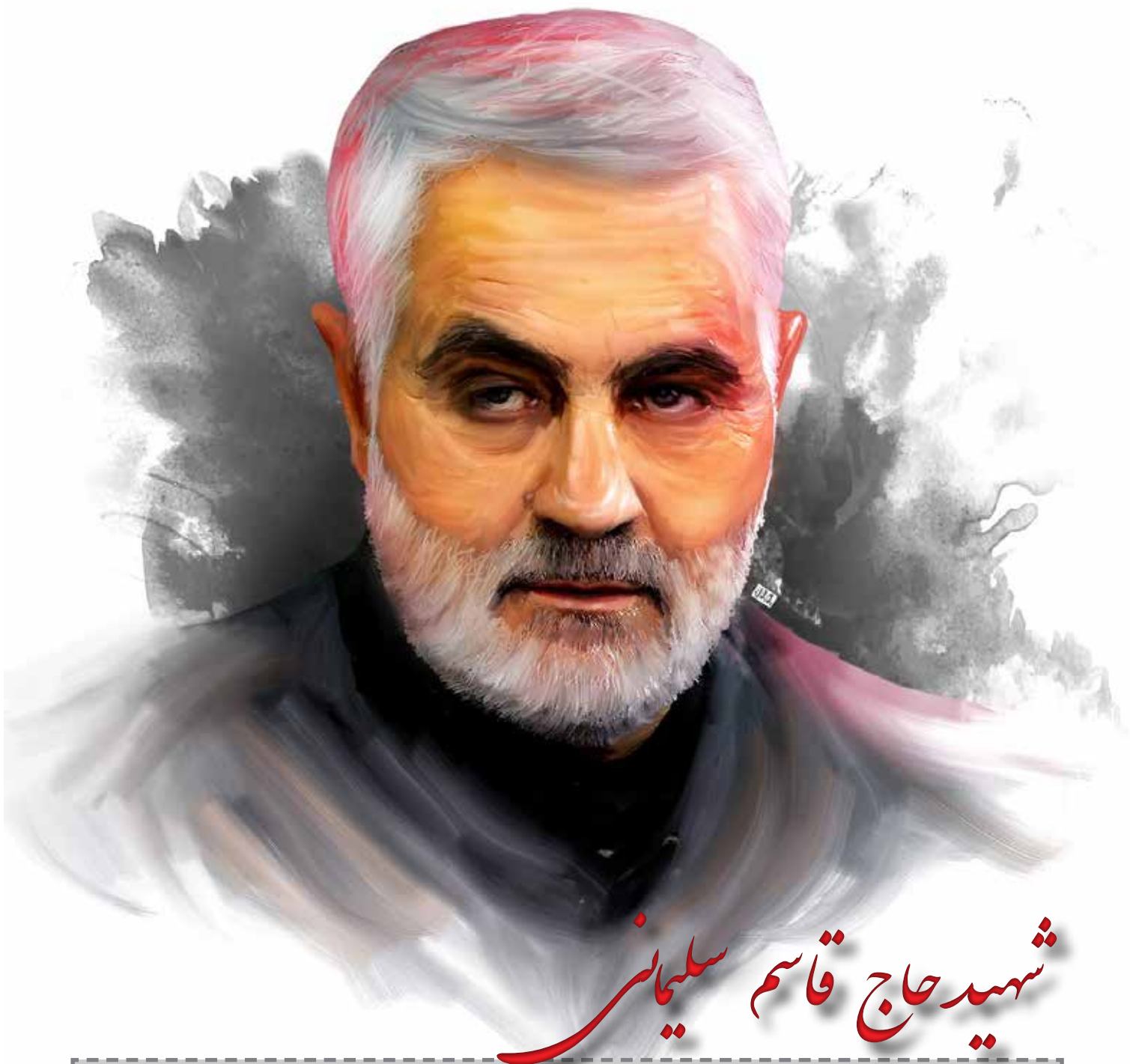
و امکانات می آیند، فوراً سوی دانشجو

به پایان آمد این شعر و حکایت همچنان باقی

ارادتمند شما، امضا یک عدد پر روی دانشجو

صائبی





## شهید حاج قاسم سلیمانی

اگر فرهنگ ایشار و فداکاری مورد تکریم و تقدیس واقع نشود ما دچار خسارت‌های زیادی خواهیم شد.

این فرهنگ، فرهنگ نجاتبخش کشور است. که همه مسئولین، اساتید، نویسندگان و... در آن سهیم‌اند (شهید سلیمانی)

ما فرهنگیان باید به مانند حاج قاسم‌ها شهید زنده باشیم. شهید زنده راه تعلیم و تربیت ایران اسلامی. ما هم باید در میدان جنگ خودمان؛ یعنی کارزار تعلیم و تربیت، بی وقفه مجاهدت نمائیم. که اگر خدای ناکرده از این رسالت خود غافل شویم، به والله روز محشر باید پاسخگوی خون ریخته شده شهدا باشیم.

سردار سلیمانی نمونه برجسته ای از تربیت شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود.

رسالت ما این است حاج قاسم‌ها تربیت کنیم. حاج قاسم‌هایی در تمامی زمینه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... تربیت کنیم که در راه خدا و در رکاب حضرت ولی عصر (ارواحنا له فدا) مخلصانه جهاد کنند.



معلم باید با کوله باری از داشتن های دنیای  
دیروز و امروز و نگاهی به بایسته های دنیای فردا  
به طراحی آموزش و پرورش امروز بپردازد

